

مجله پژوهش‌های حسابداری مالی
سال ششم، شماره اول، شماره پیاپی (۱۹)، بهار ۱۳۹۳
تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۲/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۶
صص ۷۵-۸۸

رابطه بین ویژگی‌های شرکت و اولویت مدیران برای گزینش آستانه سود

مهدی مرادزاده فرد^{*۱}، مهدی ابراهیمی میمند^{**}، ملیحه مرادی^{***}

^{*}استادیار حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

Moradzadehfard@kiau.ac.ir

^{**}دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه شیراز

Ebrahimimehdi10@gmail.com

^{***}کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه تربیت مدرس

maliheh11@gmail.com

چکیده

مدیریت سود و دستیابی به آستانه سودها، از دیرباز مورد توجه گروه‌های مختلف بوده است. مطالعات قبلی در رابطه با اهمیت سه آستانه سودی که مدیران برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند، نتایج نامشخصی فراهم کردند. این سه آستانه شامل اجتناب از زیان، اجتناب از کاهش سود و اجتناب از سود غیرمنتظره منفی است. هدف این مطالعه، بررسی این موضوع است که آیا ویژگی‌های خاص شرکت، اولویت‌های مدیران را در رابطه با آستانه سودها تحت تاثیر قرار می‌دهد؟ برای این منظور، سه مدل لجیت برآورد شد تا رابطه بین ویژگی‌های شرکت و ادراک مدیران از اهمیت هر آستانه بررسی شود. دوره مورد بررسی در این پژوهش سال‌های بین ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ و نمونه مورد بررسی شامل ۱۰۴ شرکت پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های خاص شرکت‌ها بر گزینش این سه آستانه توسط مدیریت اثرگذار است. شرکت‌های با اندازه بزرگ برای اجتناب از گزارش زیان، شرکت‌های با رشد بالا برای اجتناب از کاهش سود و شرکت‌های با حجم معامله بالا برای اجتناب از سود غیرمنتظره منفی و اجتناب از کاهش سود بسیار مستعد هستند.

واژه‌های کلیدی: آستانه سود، مدیریت سود، سود پیش‌بینی شده توسط مدیریت، سود غیرمنتظره.

مقدمه

مدیریت سود و دستیابی به سطح خاصی از سود همواره مورد توجه حسابداران، سرمایه‌گذاران و قانون‌گذاران بوده است و تاریخچه آن به اوایل دهه ۶۰ میلادی برمی‌گردد. مدیریت سود و تلاش برای دستیابی به آستانه خاصی از سود از دو دیدگاه قابل بحث است: ۱- مدیریت سود از دیدگاه قراردادهای (راهی برای پیشگیری از پیامدهای اقتصادی) [۱۹، ۲۸] و ۲- مدیریت سود از دیدگاه گزارشگری (راهی برای بهبود قیمت سهم) [۲۷، ۲۶]. این موضوع که مدیریت سود عمل خوبی است یا بد، به هدف مدیر از مدیریت سود بستگی دارد و در صورتی که هدف ارائه اطلاعات نهانی باشد، خوب است. مدیریت سود می‌تواند به صورت واقعی یا ساختگی باشد و انگیزه‌هایی همچون جلوگیری از نقض قراردادهای خودداری از قرار گرفتن در معرض دید، کاهش هزینه مالیاتی، افزایش پاداش مدیرعامل (به خصوص در زمان تغییر مدیر عامل)، عرضه اولیه به قیمت بالا و اطلاع‌رسانی به سرمایه‌گذاران را دنبال می‌کند. برای مدیریت سود الگوهای مختلفی وجود دارد که مدیران متناسب با شرایط از الگو یا الگوهای خاصی استفاده می‌کنند؛ از جمله این الگوها می‌توان به الگوی آب از سرگذشته، حداکثر سازی سود، حداقل سازی سود و هموار سازی سود اشاره کرد. مشوق‌هایی همچون: فشار بازار سرمایه، مخدوش شدن احتمالی شهرت، صرفه‌جویی‌های مالیاتی و قراردادهای بدهی و پاداش، عوامل مهمی در بروز تفاوت بین سود واقعی و حسابداری هستند [۲۲].

اخیراً بخش عمده‌ای از پژوهش‌های حسابداری و مالی برای درک و مستند کردن اولویت‌های مدیران در مورد آستانه سودها صرف شده است [۳۰، ۱۲، ۲۴].

و [۱۸]. مطالعات اظهار می‌کنند که مدیران در زمان

گزارش سود درگیر سه آستانه زیر می‌شوند و سود را برای دستیابی به آستانه‌های زیر مدیریت می‌کنند:

۱- اجتناب از زیان؛ به این معنا که مدیران سعی می‌کنند سودی بیشتر از صفر گزارش کنند.

۲- اجتناب از کاهش سود؛ به این معنا که مدیران می‌کوشند سودی مطابق با سود سال قبل گزارش کنند (ارائه سود به میزانی مشابه با سال قبل).

۳- اجتناب از سود غیرمنتظره منفی، به معنای گزارش سود به نحوی که به انتظارات از سود (سود پیش‌بینی شده توسط تحلیلگران یا مدیران) دست یابد یا از آن بیشتر شود.

اهمیت سه آستانه فوق‌یکسان نیست و در مطالعات مختلف این موضوع بررسی و تایید شده است. برخی اجتناب از زیان [۱۴]، برخی اجتناب از سود غیرمنتظره منفی [۱۸] و برخی اجتناب از کاهش سود [۲۴] را به عنوان مهمترین آستانه سود برای مدیران بیان کرده‌اند. این مجموعه از یافته‌ها آشکار می‌کند که به طور واضح بین سه آستانه سود سلسله‌مراتبی وجود دارد؛ هرچند توافق همگانی بر روی رتبه دقیق این سه آستانه وجود ندارد. همچنین، لئوز و دیگران [۲۹] مستند کردند که نحوه مدیریت سود، در کشورهای مختلف متفاوت است. به این ترتیب، با توجه به یافته‌های پژوهش‌های قبلی در رابطه با تفاوت در اهمیت آستانه‌های سود در کشورهای مختلف، نمی‌توان با استفاده از یافته‌های دیگر کشورها، در رابطه با آستانه‌های مطلوب در ایران نتیجه‌گیری کرد و به انجام پژوهشی جداگانه در ایران نیاز است. برپایه مقالات موجود در زمینه آستانه سود، این مقاله به بررسی رابطه بین ویژگی‌های خاص

زیان به مبلغ کم"، و فراوانی بالایی در زمینه "افزایش سود به مبلغ کم" و "سود مثبت به مبلغ کم" یافتند.

این نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌ها سود را برای اجتناب از زیان و کاهش سود، مدیریت می‌کنند.

پژوهش‌های بسیاری این موضوع را بررسی و تایید کردند [۲۳، ۹]. با به کارگیری روش پژوهش بورگستالر و دیچو [۱۴] برای داده‌های فصلی، دگنورگ و دیگران [۲۰] به طور غیرعادی فراوانی پایینی برای خطای پیش بینی منفی و به‌طور غیرعادی فراوانی بالایی برای خطای پیش بینی صفر یا مثبت در توزیع داده‌ها گزارش کردند. چر و دیگران [۱۷] به بررسی نحوه برخورد مدیران با کاهش سود و گزارش زیان پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که مدیران برای خودداری از شناسایی زیان و کاهش سود، به مدیریت سود اقدام می‌نمایند. ریچاردسون و دیگران [۳۶] و براون [۱۱] در پژوهش‌های خود به شرکت‌های زیادی برخوردند که سودی برابر یا کمی بیشتر از پیش‌بینی تحلیل‌گران ارائه کرده بودند.

ماتسوماتو [۳۱] نیز نتایج مشابهی ارائه کرد. این یافته‌ها بیانگر عمل مدیران برای دستیابی یا پیشی جستن از انتظارات است.

افزون بر این، چند مطالعه سلسله مراتب آستانه سود را بررسی کردند: بورگستالر و دیچو [۱۴] نشان دادند که مدیران تمایل بیشتری به اجتناب از زیان نسبت به اجتناب از کاهش سود دارند. دگنورگ و دیگران [۲۰] دریافتند که شرکت‌ها تمایل بیشتری به اجتناب از زیان و کاهش سود، نسبت به اجتناب از سود غیرمنتظره منفی دارند. گراهام و دیگران [۲۴] دریافتند که "اجتناب از کاهش سود"، آستانه مهمی است و شرکت‌ها برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند.

شرکت و سلسله مراتب آستانه سودها در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران می‌پردازد.

ادبیات و پیشینه

پدیده دستیابی یا پیشی جستن از آستانه سودها، پژوهشگران بسیاری را به خود جلب کرده است.

تئوری انتظارات، فرض می‌کند تصمیم گیرندگان ارزیابی خود را بر مبنای سود و زیان منتشره در مورد یک نقطه مشخص به جای تطابق با سطح نهایی ثروت انجام می‌دهند. افزون بر این، تئوری اظهار می‌کند تابع مطلوبیت افراد در مورد سودها مقعر و در مورد زیان‌ها محدب است. بنابراین، زمانی که افزایش سود، شخص را از موقعیت زیان به موقعیت سود نسبت به یک نقطه مشخص، منتقل می‌کند این افزایش، با افزایش بیشتر ارزش و ثروت همراه است.

از این رو، مدیران وسوسه می‌شوند تا از سود منفی اجتناب کنند. همچنین، تئوری هزینه معاملات به انتشار اطلاعات مربوط به سود و اثر آن بر شرایط معاملات بین شرکت و ذی‌نفعان می‌پردازد. برخی ذی‌نفعان به دلیل هزینه بر بودن تجزیه و تحلیل اطلاعات منتشره بر موارد ساده ذهنی از قبیل: سطح صفر یا تغییرپذیری صفر در سود متمرکز می‌شوند. بر این اساس، شرکت‌ها زمانی که کاهشی در سود گزارش می‌کنند، نسبت به زمانی که افزایشی را اعلان می‌کنند، متحمل هزینه معاملات بیشتری می‌شوند.

بنابراین، مدیران برای اجتناب از کاهش سود و انتشار زیان تشویق می‌شوند. بر این اساس، مدیران برای مدیریت سود به نحوی که به آستانه‌های سود مورد نظر دست یابند، تشویق می‌شوند.

بورگستالر و دیچو [۱۴] به طور غیرعادی فراوانی کمی در زمینه "کاهش سود به مبلغ کم" و "گزارش

همچنین مطالعات اخیر، مستندات دربارۀ تغییر در سلسله مراتب آستانه سودها ارائه کردند. دیچو و دیگران [۱۸] بر مبنای اطلاعات سالانه دریافتند که در سال‌های اخیر اجتناب از سود غیرمنتظره منفی نسبت به اجتناب از زیان دهی و کاهش سود اهمیت بیشتری پیدا کرده است. براون و سیلر [۱۲] نیز با استفاده از داده‌های فصلی به نتایج مشابهی رسیدند.

از طرفی، برخی مطالعات مشوق‌های مدیران را برای دستیابی یا پیشی جستن از آستانه سودها آزمون کردند؛ برخی از مشوق‌های ارائه شده شامل: کاهش هزینه‌های تحمیلی بر شرکت در تعامل با ذی‌نفعان [۱۴]، حفظ پاداش نقدی سالانه مدیران [۳۱] و اجتناب از کاهش قیمت سهم [۳۲، ۳۴] می‌شود.

ماتسوماتو [۳۱] عوامل تعیین‌کننده گرایش مدیران به دستیابی یا پیشی جستن از انتظارات تحلیلگران را بررسی کرد. وی دریافت که شرکت‌های دارای مالکیت نهادی بالا، شرکت‌های با تاکید بالا بر خواسته‌های تلویحی ذی‌نفعان و شرکت‌های با سود دارای ارتباط ارزشی بالا، انگیزه بیشتری برای دستیابی یا پیشی جستن از پیش‌بینی تحلیلگران دارند. نتایج پژوهش وی نشان داد که محرک‌ها برای اجتناب از سود غیرمنتظره منفی، وابسته به شرایط است. لی [۳۰] به بررسی اهمیت سه آستانه سود با توجه به ویژگی‌های شرکت‌ها پرداخت. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که شرکت‌های بزرگ با انتظار رشد بالا و شرکت‌های با حجم معامله بالا تمایل بیشتری به اجتناب از سود غیرمنتظره منفی دارند؛ در حالی که شرکت‌های کوچک، شرکت‌های با انتظار رشد پایین و شرکت‌های با حجم معامله پایین تمایل بیشتری به اجتناب از کاهش سود و شناسایی زیان دارند. به‌طور کلی، این مقاله نشان داد که ویژگی‌های خاص شرکت

می‌تواند احساس و ادراک مدیران را در رابطه با اهمیت هر آستانه تحت تاثیر قرار دهد. ایتزیدس و کادورینس [۲۵] به بررسی مشوق‌های مدیریت سود در شرکت‌های انگلیسی پرداختند. یافته‌های این پژوهش بیان می‌کند شرکت‌هایی که نیاز به تامین مالی دارند و یا نقض قرارداد کرده‌اند، بیشتر درگیر مدیریت سود می‌شوند. همچنین، شرکت‌ها به استفاده از مدیریت سود برای کاهش میزان مالیات تمایل دارند و بعد از آن برای دستیابی یا پیشی جستن از پیش‌بینی تحلیلگران به مدیریت سود اقدام می‌کنند.

بدری [۱] هموارسازی سود و عوامل مؤثر بر آن را بررسی کرد. نتایج پژوهش وی نشان داد که مالکیت، اندازه، نوع قیمت‌گذاری و صنعت عوامل مؤثری در هموارسازی سود نیستند؛ اما نسبت سودآوری عامل مؤثری بر هموارسازی سود است و رابطه منفی بین سودآوری و هموارسازی وجود دارد.

مشایخی و دیگران [۳] نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که مدیران شرکت‌ها به هنگام کاهش وجه نقد حاصل از عملیات (که بیانگر عملکرد ضعیف واحد تجاری بوده است)، به افزایش اقلام تعهدی اختیاری اقدام کرده‌اند. نوروش و دیگران [۴] در بررسی ویژگی شرکت‌هایی که به هموارسازی سود اقدام کرده بودند، به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های هموارساز، سن بیشتر، عملکرد ضعیف‌تر و نسبت بدهی بالاتری نسبت به شرکت‌هایی که هموارسازی سود ننموده‌اند، دارند. خدادادی و جان جانی [۲] به بررسی رابطه مدیریت سود و سودآوری پرداختند.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد شرکت‌هایی که اقدام به مدیریت سود کرده‌اند، نسبت به شرکت‌هایی

یا مدل گام تصادفی می‌رسد، به کنترل بیشتر هزینه‌ها روی می‌آورند.

فرضیه اول: بین اندازه شرکت و گزینش آستانه خاصی از سود توسط مدیران رابطه معناداری وجود دارد.

انتظارات رشد

انتظار رشد شرکت با تمایل مدیران به دستیابی یا پیشی جستن از آستانه سودها مرتبط است. اسکینر و اسلوان [۳۹] گزارش کردند که سود غیرمنتظره منفی با تغییر منفی و شدید در قیمت سهام مرتبط است، و این موضوع برای شرکت‌های با رشد بالا در مقایسه با شرکت‌های با رشد پایین بیشتر است. ایشان نشان دادند در صورتی که شرکت‌های با رشد بالا به پیش بینی تحلیلگران از سود دست نیابند، متحمل هزینه بالایی می‌شوند. همچنین، براون و سیلر [۱۲] دریافتند که در شرکت‌های رشدی، اجتناب از سود غیرمنتظره منفی از اولویت بالاتری در سلسله مراتب آستانه سودها برخوردار است.

فرضیه دوم: بین رشد مورد انتظار شرکت و گزینش آستانه خاصی از سود توسط مدیران رابطه معناداری وجود دارد.

حجم معامله

باتالیو و مندنهال [۸] دریافتند که سرمایه گذران مختلف به طور معناداری از انواع مجموعه‌های اطلاعاتی در زمان شکل‌دهی به راهبردهای معاملاتی خود استفاده می‌کنند. به طور خاص، معامله گران حجم بالا (سفته بازان) به خطای پیش‌بینی تحلیلگران عکس‌العمل نشان می‌دهند، درحالی که معامله گران در حجم کم به تغییرات سود فصلی توجه می‌کنند.

شانتیکومار [۳۸] نیز مدارک مشابهی در این زمینه فراهم کرد. به این ترتیب، احتمال زیادی وجود دارد

که مدیریت سود انجام نداده‌اند، در سطح سود عملیاتی و سود خالص عملکرد ضعیف‌تر، در سطح سود قبل از مالیات و سود خالص رشد بیشتر، در سطح سود خالص اندازه بزرگتر و سرانجام در سطح سود هر سهم نرخ سود تقسیمی بالاتری داشته‌اند.

تدوین فرضیه‌ها

اندازه شرکت

پژوهش‌های قبلی دو شاخص برای انتظارات سود تعیین کرده‌اند: پیش بینی تحلیلگران و مدل گام تصادفی (سودی مشابه با سود آخرین فصل (سال) برای فصل (سال) جاری انتظار می‌رود) [۳۵،۱۳].

مدارک قطعی در مورد شاخص مورد استفاده سرمایه گذاران برای شکل‌دهی به انتظارات خود از سود وجود ندارد؛ برای مثال، براون و دیگران [۱۳] یافتند که خطای پیش‌بینی تحلیلگران ارتباط بالاتری با بازده غیرعادی، نسبت به مدل‌های سری زمانی دارد؛ ولی اُبراین [۳۵] به نتیجه‌ای معکوس دست یافت. وایدمن [۴۱] کار براون و دیگران [۱۳] را گسترش داد و اثر اطلاعات شرکت را بر انتخاب شاخص انتظارات سود توسط سرمایه گذاران بررسی کرد. وی نشان داد که استفاده از پیش‌بینی تحلیلگران برای شکل‌دهی به انتظارات سود، با اندازه شرکت رابطه مثبت دارد. والتر [۴۰] نشان داد که در پیش‌بینی سود شرکت‌های با اندازه بزرگ، سرمایه گذاران وزن بیشتری به پیش بینی تحلیلگران (نسبت به مدل گام تصادفی) می‌دهند. لی [۳۰] بین اندازه شرکت و تمایل به اجتناب از سود غیرمنتظره منفی (تفاوت بین سود واقعی و پیش‌بینی تحلیلگران) رابطه معناداری یافت. این یافته‌ها اظهار می‌کنند که مدیران شرکت‌های بزرگ در زمانی که سود واقعی به کمتر از میزان پیش بینی تحلیلگران (پیش‌بینی مدیران از سود)

صحیح‌تر مدل‌های فنی، احتمالاً محرک بیشتری برای اجتناب از کاهش سود و زیان‌دهی دارند. فرضیه چهارم: بین میزان درستی پیش‌بینی مدیران از سود (نسبت به گام تصادفی) و گزینش آستانه سود توسط مدیران رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش از نوع همبستگی است. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند برای طیف گسترده‌ای، از جمله: سرمایه‌گذاران، سهامداران، تحلیل‌گران مالی و پژوهشگران مفید باشد.

نمونه انتخابی پژوهش شرکت‌هایی هستند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

از آنجایی که در پژوهش حاضر سال‌های بین ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ بررسی می‌شوند و داده‌های یک سال قبل از هر سال مورد نیاز است؛ لازم است که شرکت قبل از سال ۱۳۸۴ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده و اطلاعات آن موجود باشد؛ سال مالی شرکت به ۲۹ اسفند ختم شود؛ شرکت مورد نظر جزو صنعت واسطه‌گری مالی نباشد؛ شرکت در طول دوره مورد بررسی تغییر در دوره مالی نداشته باشد و سهام این شرکت‌ها در طی دوره مورد نظر در بورس معامله شده باشد. با توجه به معیارهای فوق تعداد ۱۰۴ شرکت به روش حذف سیستماتیک برای انجام پژوهش انتخاب شدند. داده‌های مورد استفاده برای انجام پژوهش از صورت‌های مالی شرکت‌ها، سایت بورس و نرم افزارهای تدبیرپرداز و ره آورد نوین استخراج و با استفاده از نرم افزار اکسل محاسبه شد.

داده‌های ترکیبی جمع‌آوری شده به عنوان ورودی نرم افزار SPSS نگارش ۱۶ استفاده شد و هر کدام

که شرکت‌های با حجم معامله نسبتاً بالا برای اجتناب از سود غیرمنتظره منفی به مدیریت سود اقدام کنند؛ در حالی که شرکت‌های با حجم معامله کم برای حرکت در جهت اجتناب از کاهش سود و زیان‌دهی مستعدند.

فرضیه سوم: بین حجم معامله شرکت و گزینش آستانه سود توسط مدیران رابطه معنادار وجود دارد.

دقت پیش‌بینی

یک رویکرد برای بررسی این‌که آیا پیش‌بینی تحلیل‌گران نسبت به پیش‌بینی مدل سری‌های زمانی، انتظارات سود سرمایه‌گذاران را بهتر نشان می‌دهد، مقایسه مستقیم درستی پیش‌بینی‌هاست [۳۷]. یک سرمایه‌گذار واقع بین باید به پیش‌بینی‌هایی که از صحت بالاتری برخوردارند، وزن بیشتری بدهد [۱۳].

وایدمن [۴۱] دریافت که وزن واقعی داده شده به پیش‌بینی تحلیل‌گران و پیش‌بینی مدل گام تصادفی توسط سرمایه‌گذاران برپایه درستی نسبی پیش‌بینی‌های این دو منبع است. براون و سیلر [۱۲] بیان کردند که افزایش در صحت پیش‌بینی تحلیل‌گران (نسبت به مدل گام تصادفی) در سال‌های اخیر تا حدودی بیانگر آن است که چرا مدیران بیشتر به دستیابی و پیشی‌جستن از پیش‌بینی تحلیل‌گران تمایل دارند و سلسله مراتب آستانه‌ها را در راستای اجتناب از سود غیرمنتظره منفی تغییر داده‌اند. لی [۳۰] بین دقت پیش‌بینی شرکت و تمایل به اجتناب از سود غیرمنتظره منفی رابطه معناداری یافت. این یافته‌ها بیان می‌کند که مدیران شرکت‌های با سود پیش‌بینی شده صحیح‌تر توسط تحلیل‌گران، احتمالاً مشوق‌های بیشتری برای اجتناب از سود غیرمنتظره منفی دارند؛ در حالی که مدیران شرکت‌های با پیش‌بینی‌های

در سطوح بالاتر می‌شود [۳۳]. تحلیل گران مالی و سرمایه‌گذاران در انتظارات خود از سود و قیمت سهام در نتیجه پیش‌بینی‌های اختیاری مدیران تجدید نظر می‌کنند.

اندازه شرکت (Size): لگاریتم ارزش بازار حقوق صاحبان شرکت است.

انتظار رشد (Ltg): رشد بلند مدت شرکت است. این متغیر از تقسیم ارزش بازار شرکت بر ارزش دفتری (M/B) به دست می‌آید. این متغیر برای شرکت‌هایی که به مرحله بلوغ نرسیده و انتظار رشد دارند، بالاتر از میانگین بازار است [۲۱].

حجم معامله (Trdvoll): به صورت نسبت گردش اندازه‌گیری شده و برابر میانگین سالانه سهام معامله شده تقسیم بر میانگین سهام در جریان شرکت است.

سهام در جریان از ضرب درصد سهام شناور در تعداد کل سهام شرکت به دست می‌آید.

صحت پیش‌بینی (ForeAcc): یک متغیر ساختگی است (در صورتی که پیش‌بینی مدیران صحیح‌تر از مدل گام تصادفی باشد، برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر است؛ به عبارت دیگر، اگر قدرمطلق اشتباهات پیش‌بینی مدیران $(|EPS_t - Forecast_{last}|)$ کمتر از قدرمطلق اشتباهات پیش‌بینی مدل گام تصادفی $(|EPS_t - EPS_{t-1}|)$ باشد، ForeAcc برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر است).

متغیر کنترل

لگاریتم طبیعی ارقام تعهدی سرمایه در گردش به‌عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شد (WCacc)؛ چرا که پژوهش‌های قبلی دریافتند که هر دو سطح سودهای آتی و خطای پیش‌بینی تحلیل‌گران در رابطه با سودهای آتی به‌طور منفی با سطح ارقام تعهدی

از فرضیه‌ها با استفاده از مدل رگرسیونی لجستیک مربوط و در سطح اطمینان ۹۵ درصد آزمون شد.

مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

برای بررسی آستانه سود مورد توجه مدیران در شرکت‌های مختلف سه مدل رگرسیونی برازش می‌شود. در ابتدا، ارتباط بین ویژگی‌های شرکت و احتمال این‌که یک سال - شرکت از سود غیرمنتظره منفی اجتناب کند، از طریق مدل لجیت (۱) بررسی می‌شود.

مدل (۱)

$$\text{prob}(Possurprise_{it+1}) = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Size}_{it} + \alpha_2 \text{Ltg}_{it} + \alpha_3 \text{Trdvoll}_{it} + \alpha_4 \text{ForeAcc}_{it} + \alpha_5 \text{WCacc}_{it}$$

$Possurprise_{it+1}$: یک متغیر ساختگی است (اگر سال شرکت به آخرین پیش‌بینی مدیران از سود دست یابد یا از آن پیشی گیرد (در محدوده دو برابر دامنه میان چارکی تقسیم بر ریشه سوم تعداد مشاهده‌ها از پیش‌بینی مدیران)، برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر).

با توجه به این که در ایران پیش‌بینی‌های منظم و قابل دسترسی از سود شرکت‌ها توسط تحلیل‌گران منتشر نمی‌شود؛ در این پژوهش از سود پیش‌بینی شده توسط مدیران استفاده شد. پژوهش‌های گذشته در رابطه با دلیل انتشار پیش‌بینی سود توسط مدیران به دلایلی از قبیل: فرضیه اصلاح انتظارات اشاره نمودند [۵]. این فرض بیان می‌کند مدیران برای ترتیب‌دهی به انتظارات بازار مطابق با انتظارات مدیران، به انتشار پیش‌بینی اقدام می‌کنند. سود پیش‌بینی شده عدم‌تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و مدیران را کاهش می‌دهد و باعث کاهش پراکندگی سود پیش‌بینی شده توسط تحلیل‌گران و به‌طور کلی، قیمت‌گذاری مطلوب و صحیح سهام و کارایی بازار

در نهایت، برای بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شرکت و احتمال این‌که یک سال - شرکت از زیان‌دهی اجتناب کند، از مدل لجیت (۳) استفاده می‌شود.
مدل (۳)

$$\text{prob}(\text{Posearnings}_{it+1}) = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Size}_{it} + \alpha_2 \text{Ltg}_{it} + \alpha_3 \text{Trdvol}_{it} + \alpha_4 \text{ForeAcc}_{it} + \alpha_5 \text{WCACC}_{it}$$

$\text{Posearnings}_{it+1}$: یک متغیر ساختگی است (اگر سال شرکت سود صفر یا سودی نزدیک به صفر گزارش کرده باشد، برابر با ۱ و اگر شرکت زیان نزدیک به صفر گزارش کرده باشد، برابر صفر است).

آمار توصیفی

مرتبط هستند [۱۰، ۱۶] و نتایج به طور معنادار تحت تاثیر سطح اقلام تعهدی قرار می‌گیرد.
برای بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شرکت و احتمال این‌که یک سال - شرکت از کاهش سود اجتناب کند، از مدل لجیت (۲) استفاده می‌شود.
مدل (۲)

$$\text{prob}(\text{Posearnchg}_{it+1}) = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Size}_{it} + \alpha_2 \text{Ltg}_{it} + \alpha_3 \text{Trdvol}_{it} + \alpha_4 \text{ForeAcc}_{it} + \alpha_5 \text{WCACC}_{it}$$

Posearnchg_{it+1} : یک متغیر ساختگی است (اگر سود سال شرکت به سود دوره قبل دست یابد یا از آن پیشی بگیرد (در محدوده دو برابر دامنه میان چارکی تقسیم بر ریشه سوم تعداد مشاهده‌ها از سود سال قبل)، برابر با ۱ و در غیر این صورت صفر است).

نگاره ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر آماره	Possurprise	Posearnchg	Posearnings	Ln Size	Ltg	TrdVol	ForeAcc	LnWCACC
میانگین	۰/۵۱۷۹	۰/۴۹۷۴	۰/۷۴۱۲	۲۶/۴۹	۳/۱۲۷۱	۰/۰۱۰۱	۰/۷۴۸۴	۱۱/۷۴۱۶
خطای استاندارد	۰/۵۰۰۱	۰/۵۰۰۴	۰/۴۴۰۵۹	۱/۶۱۳۶	۴/۷۸۷۲	۰/۰۴۲۷	۰/۴۳۴۴	۱/۴۲۹۸
کمینه	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۲۲/۸۸	-۲۰/۷۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۷/۰۶
بیشینه	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۳۱/۰۲	۵۱/۸۹	۰/۷۸۶۱	۱/۰۰	۱۵/۹۵

دیچو [۱۴] و دگنورگ و دیگران [۲۰]. در مورد متغیر Possurprise میانگین بیشتر از نیم است که این یافته به این موضوع اشاره دارد که بر خلاف سوگیری رو به بالا در پیش‌بینی سود توسط مدیریت در بلند مدت، پیش‌بینی سود توسط مدیریت در کوتاه مدت غالباً کمتر از سود واقعی اعلام شده است (مطابق بروگستالر و امس [۱۵]).

آماره‌های فوق خلاصه‌ای از داده‌های ۵۲۰ سال-شرکت است، ولی برای متغیر Posearnings تنها ۸۵ سال-شرکت واجد شرایط بودند که در مدل سه به‌کارگرفته شده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، میانگین متغیر Posearnings به سمت ۱ گرایش دارد که این موضوع نشان می‌دهد در شرکت‌های مورد بررسی فراوانی سود مثبت کم (۶۳ مورد) بسیار بالاتر از فراوانی زیان کم (۲۲ مورد) است که این یافته مشابه پژوهش‌های قبلی است (از قبیل: بورگستالر و

نتایج آزمون فرضیه‌ها

که متغیرهای مستقل مورد بررسی (ارزش بازار شرکت، حجم معامله، رشد، صحت پیش‌بینی و سرمایه در گردش)، در مدل (۱) بین ۳/۱ تا ۴/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته (اجتناب از سود غیرمنتظره منفی)، در مدل (۲) بین ۴/۴ تا ۵/۸ درصد متغیر وابسته (اجتناب از کاهش سود) و در مدل (۳) بین ۱۹/۹ تا ۳۲/۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (اجتناب از زیان) را تبیین می‌کنند.

به‌منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش سه مدل لجیت برآورد شد که نتایج حاصل از آزمون آن‌ها در ادامه توضیح داده می‌شود. به‌منظور ارزیابی کلی مدل‌ها، از آزمون ام‌بی بوس استفاده شد. همان‌طور که در نگاره (۲) مشاهده می‌شود، مدل‌های پژوهش از برآزش قابل قبولی برخوردار و در سطح خطای کمتر از ۵ درصد معنادارند. با توجه به ضریب تعیین پزودو (ارائه شده در نگاره (۲)) می‌توان نتیجه گرفت

نگاره ۲. نتایج آزمون مدل‌های لجیت

مدل ۳			مدل ۲			مدل ۱			
سطح	درجه	آماره	سطح	درجه	آماره خی	سطح	درجه	آماره خی	
معناداری	آزادی	خی دو	معناداری	آزادی	دو	معناداری	آزادی	دو	آزمون
۰/۰۳۵	۵	۱۱/۹۸۲	۰/۰۰۶	۵	۱۶/۲۷۸	۰/۰۴۰	۵	۱۱/۶۴۲	ام‌بی بوس
ضریب تعیین	ضریب تعیین	ضریب تعیین	ضریب تعیین	ضریب تعیین	ضریب تعیین	ضریب تعیین	ضریب تعیین	ضریب تعیین	ضریب تعیین
Cox & Snell	Nagelkerke	Cox & Snell	Nagelkerke	Cox & Snell	Nagelkerke	Cox & Snell	Nagelkerke	Cox & Snell	Nagelkerke
۰/۱۹۹	۰/۳۲۳	۰/۰۴۴	۰/۰۵۸	۰/۰۳۱	۰/۰۴۲				

کشورهای مختلف و تفاوت در مالکیت دانست که مطابق با یافته لئوز و دیگران [۲۹] است.

شرکت‌های با رشد بالا سعی در اجتناب از کاهش سود دارند و وجود این رابطه در سطح خطای ۵ درصد تایید می‌شود (بتا ۰/۰۷۲ و آماره والد ۴/۸۲۱). رابطه بین رشد بالا و اجتناب از سود غیرمنتظره منفی، مثبت است (بتای برابر با ۰/۰۱۶)؛ یعنی شرکت‌های با رشد بالا سعی در اجتناب از سود غیرمنتظره منفی دارند؛ ولی این رابطه معنادار نیست.

شرکت‌های با رشد پایین سعی در اجتناب از زیان‌دهی دارند که این رابطه نیز معنادار نیست (بتای برابر با ۰/۱۸۱ و آماره والد ۰/۵۱۹). این یافته مشابه با یافته‌های قبلی از قبیل براون و سیلر [۱۲] است. با توجه به این که سود سال قبل، معیار بسیار مهمی در

با توجه به نگاره (۳) نتیجه‌گیری می‌شود که شرکت‌های با اندازه بزرگ‌تر سعی در اجتناب از گزارش زیان دارند که این رابطه در سطح خطای ۵ درصد معنادار است (بتا ۰/۴۶۵ و آماره والد ۵/۵).

همچنین، شرکت‌های با اندازه بزرگ‌تر سعی در اجتناب از سود غیرمنتظره منفی دارند که البته این رابطه معنادار نیست (بتا ۰/۰۱۶ و آماره والد ۰/۰۲۷).

شرکت‌های با اندازه کوچک‌تر سعی در اجتناب از کاهش سود دارند که این رابطه نیز معنادار نیست (بتا ۰/۱۱۰- و آماره والد ۱/۳۰۸). این یافته با یافته‌های پژوهش‌های پیشین، از قبیل: وایدمن [۴۱]، والتر [۴۰] و لی [۳۰] متفاوت است. علت این موضوع را می‌توان به تفاوت در اهمیت آستانه‌ها در

شکل دهی به انتظارات است، رابطه بین رشد و اجتناب از کاهش سود معنادار است.

نگاره ۳. ضرایب متغیرهای پژوهش

مدل ۱ (۵۲۰ سال - شرکت)			مدل ۲ (۵۲۰ سال - شرکت)			مدل ۳ (۸۵ سال - شرکت)		
بتا	آماره والد	سطح معناداری	بتا	آماره والد	سطح معناداری	بتا	آماره والد	سطح معناداری
-۰/۷۹۲	۰/۱۷۱	۰/۶۸۰	۲/۹۳۲	۱/۱۹۰	۰/۱۹۰	-۴/۳۶۶	۰/۱۹۴	۰/۶۵۹
۰/۰۱۶	۰/۰۲۷	۰/۸۶۹	-۰/۱۱۰	۱/۳۰۸	۰/۲۵۳	۰/۴۶۵	۵/۵	۰/۰۱۹
۰/۰۱۶	۰/۳۷۶	۰/۵۴۰	۰/۰۷۲	۴/۸۲۱	۰/۰۲۸	-۰/۱۸۱	۰/۵۱۹	۰/۱۲۱
۲۷/۲۹۵	۵/۶۸۷	۰/۰۱۷	۱۵/۵۶۴	۴/۵۳۲	۰/۰۳۲	۷۸/۹۹۸	۰/۴۴۷	۰/۴۹۰
۰/۰۸۱	۰/۶۷۰	۰/۴۱۳	۰/۰۱۰	۰/۰۰۹	۰/۹۲۲	-۰/۲۹۵	۰/۰۸۳	۰/۷۷۴
۰/۲۰۱	۰/۶۷۱	۰/۴۱۳	۰/۴۱۲	۲/۷۲۷	۰/۰۹۹	۰/۳۴۷	۰/۴۲۱	۰/۵۱۶

گردش بیشتر در راستای اجتناب از کاهش سود استفاده می‌کنند. همچنین، آن‌ها در سطح اهمیت کمتر، از سرمایه در گردش به ترتیب برای اجتناب از زیان و اجتناب از سود غیرمنتظره منفی استفاده می‌کنند. این روابط نیز در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست.

نتیجه

سود نقشی اساسی در نمایش سلامت مالی یک شرکت دارد؛ از این رو، مدیران مشوق‌هایی برای مدیریت سود دارند. مدیریت سود و دستیابی به آستانه خاصی از سود، از جمله موضوع‌هایی است که برای بخش‌های فعال در حوزه مالی مهم است. این پژوهش به بررسی اثر ویژگی‌های شرکت‌ها بر گزینش آستانه خاصی از سود، به عنوان سود هدف پرداخت. با توجه به این که پیش‌بینی سازمان یافته‌ای از تحلیل‌گران مالی در ایران منتشر نمی‌شود، برای شکل‌دهی به انتظارات سرمایه‌گذاران سود پیش‌بینی شده توسط مدیریت و مدل گام تصادفی وجود دارد. بر این اساس، در این پژوهش این دو منبع به عنوان شکل دهنده انتظارات سرمایه‌گذاران در نظر

شرکت‌های با حجم معامله بالا تمایل به اجتناب از سود غیرمنتظره منفی و کاهش سود دارند که این رابطه‌ها در سطح خطای ۵ درصد معنادار است (به ترتیب، با بتای ۲۷/۲۹۵ و ۱۵/۵۶۴ و آماره والد ۵/۶۸۷ و ۴/۵۳۲). شایان ذکر است که اجتناب از سود غیرمنتظره منفی از اهمیت بالاتری برخوردار است.

شرکت‌های با حجم معامله بالا از زیان‌دهی نیز اجتناب می‌کنند که این رابطه معنادار نیست. این یافته مشابه با یافته‌های پژوهش‌های پیشین، از قبیل باتالیو و مندلهال [۸]، شانتی‌کومار [۳۸] و لی [۳۰] است.

شرکت‌های با درستی بالاتر پیش‌بینی سود توسط مدیران نسبت به مدل گام تصادفی، سعی در اجتناب از سود غیرمنتظره منفی و کاهش سود دارند.

شرکت‌های با درستی کمتر پیش‌بینی سود توسط مدیران سعی در اجتناب از زیان دارند. این روابط در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست؛ در نتیجه وجود رابطه بین درستی پیش‌بینی سود و مدیریت سود در راستای دستیابی به آستانه خاصی از سود در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

در نهایت، شرکت‌های با سرمایه در گردش بالاتر سعی در اجتناب از کاهش سود دارند و از سرمایه در

۳- شرکت‌های با حجم معامله بالا برای اجتناب از سود غیرمنتظره منفی و اجتناب از کاهش سود بسیار مستعد هستند؛ البته برای آن‌ها اجتناب از سود غیرمنتظره منفی از اهمیت بالاتری برخوردار است.

این یافته مشابه با سایر پژوهش‌های قبلی در این زمینه است (از قبیل: باتالیو و مندلهال [۸]، شانتی‌کومار [۳۸] و لی [۳۰]). شرکت‌های با حجم معامله بالا بیشتر در مالکیت سهامداران گذرا و انفرادی هستند و آن‌ها بر اساس نقدشوندگی و امکان سفته‌بازی معامله می‌کنند [۷]؛ در این مورد دست نیافتن به پیش‌بینی و کاهش سود به واکنش منفی شدیدی از سوی سهامداران منجر می‌شود. به این ترتیب، مدیران نیز با توجه به این موضوع از سود غیرمنتظره منفی و کاهش سود اجتناب می‌کنند.

پیشنهادها

الف: پیشنهادهای کاربردی

۱- سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران باید با توجه به ویژگی‌های شرکت‌ها احتمال مدیریت سود را در تصمیمات خود لحاظ کنند؛ برای مثال، در صورتی که شرکت مورد نظر آن‌ها شرکتی با حجم معامله بالاست، احتمالاً این شرکت سود خود را برای دستیابی به پیش‌بینی مدیران، مدیریت کرده است و با توجه به این احتمال باید احتیاط لازم را مدنظر قرار دهند.

۲- قانون‌گذاران و فعالان در زمان رسیدگی به فرآیندهایی از قبیل: مدیریت سود و دستکاری معاملات واقعی، باید با توجه به ویژگی‌های خاص شرکت بر روی آستانه‌های مختلف تمرکز کنند.

گرفته شد. پژوهش‌های بسیاری نشان دادند که قیمت اوراق بهادار در مسیری مشابه تغییر سود هر سهم تغییر می‌کند (از زمان پژوهش بال و براون [۶]) و همچنین، بین خطای پیش‌بینی سود و بازده سهام رابطه وجود دارد که این موضوع به اهمیت سود گذشته و سود پیش‌بینی شده توسط مدیریت در شکل‌دهی انتظارات بازار اشاره دارد. بدین ترتیب، انتظار می‌رود مدیران آستانه سودها را مورد توجه قرار دهند. نتایج حاصل از این پژوهش بیان می‌کند که گزینش مدیریت از این سه آستانه و تلاش برای دستیابی به آن‌ها به شرایط و ویژگی‌های شرکت وابسته است. به‌طور خاص، این مطالعه به این نتیجه دست یافت که:

۱- شرکت‌های با اندازه بزرگ‌تر برای اجتناب از زیان بسیار مستعدند.

این یافته به این موضوع اشاره دارد که در ایران، شرکت‌های بزرگ ذی‌نفعانی دارند که بر سوددهی توجه دارند و منافع آن‌ها به واسطه سوددهی (صرف نظر از دستیابی به سطح خاصی از سود) تامین می‌شود. این موضوع مشابه با یافته لئوز و دیگران [۲۹] است که بیان می‌دارد آستانه سودها و اولویت آن‌ها در کشورهای مختلف متفاوت است زیرا ذی‌نفعان و چگونگی تامین منافع آن‌ها در کشورهای مختلف متفاوت است.

۲- شرکت‌های با رشد بالا برای اجتناب از کاهش سود بسیار مستعدند. این موضوع نشان می‌دهد که شرکت‌های رشدی سعی می‌کنند سود خود را در طی زمان رشد دهند و روند سود واقعی خود را به صورت صعودی ارائه دهند؛ زیرا آن‌ها رشدی هستند و باید روند رشد خود را با ارائه سودی افزایشی نشان دهند.

ب: پیشنهاد‌های پژوهشی

- ۱- پیشنهاد می‌شود این پژوهش با استفاده از اطلاعات میان دوره‌ای شرکت‌ها، مجدداً بررسی شود.
- ۲- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی سایر اطلاعات از قبیل: قراردادها، اهرم مالی و مسایل مالیاتی علاوه بر اطلاعات به کار گرفته شده در این پژوهش به کار گرفته شود.
- ۳- پیشنهاد می‌شود در رابطه با اولویت و اهمیت آستانه‌های سود برای سرمایه گذاران، پیمایشی انجام شود.

محدودیت‌ها

- ۱- دوره زمانی این پژوهش کوتاه بوده است، در نتیجه تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت گیرد.
- ۲- متغیرهای کلان اقتصادی، هدفمندی یارانه‌ها، نرخ ارز، تورم و سایر قوانین ممکن است متغیرهای مورد استفاده را تحت تاثیر قرار داده باشد.

منابع

- ۱- بدری، احمد. (۱۳۷۸). *شناسایی عوامل مؤثر بر هموار سازی سود*، رساله دکتری دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- ۲- خدادادی، ولی و رضا جان جانی. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه مدیریت سود و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، *پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال سوم، ش اول، شماره پیاپی ۷، صص ۷۷-۹۶.
- ۳- مشایخی، بیتا؛ مهرانی، ساسان؛ مهرانی، کاوه و غلامرضا کرمی. (۱۳۸۴). «نقش اقلام تعهدی در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، *بررسی‌های حسابداری مالی*، سال سوم، ش اول، شماره پیاپی ۷، صص ۶۱-۷۴.
- ۴- نوروش، ایرج، مهرانی، کاوه و زهره عارف منش. (۱۳۸۶). «ویژگی شرکت‌های هموارساز»، *فصلنامه بصیرت*، سال چهاردهم، ش ۳۸، صص ۳۲-۵۵.
- 5- Ajinkya, B., Gift, M. (1984). Corporate managers' earnings forecasts and symmetrical adjustments of market expectations. *Journal of Accounting Research*, Vol 22, Pp 425-444.
- 6- Ball, R. and Brown, P. (1968). An Empirical Evaluation of Accounting Income Numbers. *Journal of Accounting Research*, N 6, Autumn, Pp 159-178.
- 7- Barber, B., Lee, Y., Liu, Y., Odean, T. (2009). Just how much do individual investors lose by trading? Review of Financial Studies Vol 22, Pp 609-632.
- 8- Battalio, R.H., and R. R. Mendenhall. (2005). Earnings expectations, investor trade size, and anomalous returns around earnings announcements, *Journal of Financial Economics*, Vol 7, Pp 289-319.
- 9- Beatty, A., B. Ke and K. Petroni. (2002). Earnings Management to Avoid Earnings Declines across Publicly and Privately Held Banks. *The Accounting Review*, Vol 77, No 3, Pp 547-570.
- 10- Bradshaw, M., Richardson, S. and Sloan, R. (2001). Do analysts and auditors use information in accruals?, *Journal of Accounting Research*, Vol 39, No 1, Pp 45-74.
- 11- Brown, L. (2001). A temporal analysis of earnings surprises: profits vs Losses, *Journal of Accounting Research*, Vol 39, No 2, Pp 221-241.
- 12- Brown, L. and Caylor, M.L. (2005). A temporal analysis of thresholds: propensities and valuation consequences, *The Accounting Review*, Vol 80, No 2, Pp 423-440.
- 13- Brown, L., Richardson, G. and Schwager, S. (1987). An information interpretation of financial analyst superiority in forecasting earnings, *Journal of Accounting Research*, Vol 25, No 1, Pp 49-67.
- 14- Burgstahler, D. and Dichev, I. (1997). Earnings management to avoid earnings

- 26- Jiraporn P., G. A. Miller, S. S. Yoon & Y. S. Kim. (2008). Is earnings management opportunistic or beneficial? An agency theory perspective. *International Review of Financial Analysis*, Vol 17, Pp 622-634.
- 27- Kim, Young Sang & Mathur, Ike, (2008). The impact of geographic diversification on firm performance, *International Review of Financial Analysis*, Elsevier, Vol. 17, No 4, Pp 747-766.
- 28- LAMBERT, R. A. (2001). Contracting Theory and Accounting. *Journal of Accounting & Economics*, Vol 32, Pp 3-87.
- 29- Leuz, C., Nanda, D., Wysocki, P., (2003). Earnings management and investor protection: an international comparison. *Journal of Financial Economics*, Vol 69, Pp 505-527.
- 30- Li Sh. F. (2010). Determinants of management's preferences for an earnings threshold, *Review of Accounting and Finance*, Vol 9, No 1, Pp 33-49.
- 31- Matsumoto, D. (2002). Management's incentives to avoid negative earnings surprises, *The Accounting Review*, Vol 77, No 3, Pp 483-514.
- 32- Matsunaga, S.R. and Park, C.W. (2001), The effect of missing a quarterly earnings benchmark on the CEO's annual bonus, *The Accounting Review*, Vol 76, No 3, Pp 313-332.
- 33- Miller, J, S. (2009). Opportunistic Disclosures of Earnings Forecasts and Non-GAAP Earnings Measures, *Journal of Business Ethics*, Vol 89, Pp 3-10.
- 34- Moehrle, S. R. (2002). Do firms use restructuring charge reversals to meet earnings targets?, *The Accounting Review*, Vol 77, No 2, Pp 397-414.
- 35- O'Brien, P.C. (1988), Analysts' forecasts as earnings expectations, *Journal of Accounting and Economics*, Vol 10, No 1, Pp 53-83.
- 36- Richardson, S., Teoh, S.H. and Wysocki, P.D. (2004). The walkdown to beatable analyst forecasts: the role of equity issuance and insider trading incentives, *Contemporary Accounting Research*, Vol. 21, No 4, Pp 885-924.
- 37- Schipper, K. (1991). Commentary on analysts' forecasts, *Accounting Horizon*, Vol 5, No 4, Pp 105-121.
- decreases and losses, *Journal of Accounting and Economics*, Vol 24, No 1, Pp 99-126.
- 15- Burgstahler, D., Eames, M., (2006). Management of earnings and analysts' forecasts to achieve zero and small positive earnings surprises. *Journal of Business Finance and Accounting*, Vol 33, Pp 633-652.
- 16- Chan, K., Jegadeesh, N. and Sougiannis, T. (2004), The accrual effect on future earnings, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, Vol 22, No 2, Pp 97-121.
- 17- Cher, K.S., Law, H.P., Lim, S.H. (2003). Earnings management to avoid losses and decreases. Working Paper. Nanyang Technological University. Nanyang Business School.
- 18- Dechow, P., Richardson, S. and Tuna, I. (2003). Why are earnings kinky? An examination of the earnings management explanation, *Review of Accounting Studies*, Vol 8, Nos 2/3, Pp 355-384.
- 19- DeFond, M. L., and J. Jiambalvo. (1994). Debt covenant violation and manipulation of accruals. *Journal of Accounting and Economics* Vol 17 (January), Pp 1-32.
- 20- Degeorge, F., Patel, J. and Zeckhauser, R. (1999), Earnings management to exceed thresholds, *Journal of Business*, Vol 72, No 1, Pp 1-33.
- 21- Fama, Eugene F. and French, Kenneth R. (2007). The Anatomy of Value and Growth Stock Returns, *Financial Analysts Journal*, Vol 63, No 6, Pp 44-54.
- 22- Gary, K, Taylor, A, Xu, R. (2010). Consequences of real earning management on subsequent operating performance. Research in accounting regulation. Pp 128-132.
- 23- Gore, P., Pope, P. and Singh, A. (2001). Discretionary Accruals and the Distribution of Earnings Relative to Targets. Working Paper, Lancaster University, January.
- 24- Graham, J. R., Harvey, C. R. and Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting, *Journal of Accounting and Economics*, Vol 40 No. 1/3, PP. 3-74.
- 25- Iatridis, George. Kadorinis. (2009). Earnings management and firm financial motives: A financial investigation of UK listed firms. *International Review of Financial Analysis*, Vol 18, Pp 164-173.

- 38- Shanthikumar, D. (2004). *Small and large trades around earnings announcements: does trading behavior explain post-earnings-announcement drift?*, working paper, Harvard University, Boston, MA.
- 39- Skinner, D. and Sloan, R.G. (2002), Earnings surprises, growth expectations, and stock returns or don't let an earnings torpedo sink your portfolio, *Review of Accounting Studies*, Vol 7, No. 2/3, Pp 289-312.
- 40- Walther, B. (1997), Investor sophistication and market earnings expectations, *Journal of Accounting Research*, Vol 35, No 2, Pp 157-179.
- 41- Wiedman, C. (1996). The relevance of characteristics of the information environment in the selection of a proxy for the market's expectations for earnings: an extension of Brown, Richardson and Schwager [1987], *Journal of Accounting Research*, Vol 34, No 2, Pp 313-324.

Relationships between Firm Specific Factors and Management's Preferences for an Earnings Threshold

M. Moradzade Fard

Assistant professor in Accounting, Azad University, karaj, Iran

M. Ebrahimi Maimand

Ph.D. Student in Accounting, University of Shiraz, Shiraz, Iran

M. Moradi

Master of Accounting, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran

Abstracts

Earning management and reaching the earnings threshold have long been in the center of different interested parties' attention. Previous research has provided mixed evidence on the relative importance of three earnings thresholds which managers seek to achieve. These thresholds include avoiding losses, avoiding earnings declines and avoiding negative earnings surprises. The purpose of this paper is to investigate whether firm specific factors influence management's preferences for an earnings threshold. For this purpose three Logit models are estimated to determine the relationships between firm-characteristics and management's perceptions of the relative importance of each threshold. Data from a sample of 104 affiliated firms in Tehran Stock Exchange with from year 1385 to 1389 -520 firm-year observations- have been analyzed. The results show that firm specific factors influence management's preferences toward a specific earnings threshold. Large firms are more prone to avoid losses; firms with high growth prospects are more prone to avoid earnings declines and firms with high turnover are more concerned with avoiding negative earnings surprises and earnings declines.

Keywords: Earnings Threshold, Earning Management, Management Earnings Forecasts.